



قرآن و جهانی شدن

نویسنده: معرفت، محمد هادی

علوم قرآن و حدیث :: گلستان قرآن :: نیمه اول فروردین 1384 - شماره 202

از 11 تا 12

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/4206>

دانلود شده توسط : جعفر رضانی

تاریخ دانلود : 1393/06/04 01:31:06

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.com



قرآن و جهان شدن

آیه الله محمد مهدی معرفت

فرهنگی نمی‌تواند با آن، به مقابله بپردازد. مسلمانان، نه تنها باید در این عرصه فعال باشند، بلکه باید رهبری این حرکت را بر عهده بگیرند. اساسی‌ترین وسیله ممکن برای رهبری جامعه جهانی، فرهنگ پویا و سازنده است که در اختیار امت اسلامی قرار دارد. بنابراین، اینکه جهانی شدن را یک فرصت بدانیم یا تهدید، بستگی به تفسیر ما از جهانی شدن دارد.

چنانچه در برابر آن موضع انفعالی به خود بگیریم، قطعاً تهدیدی است که مَقومات ملی و مذهبی ما در معرض خطر جدی قرار خواهد داد؛ ولی اگر با در نظر گرفتن سابقه درخشان و اصالت فرهنگ غنی که در اختیار داریم، در صدد به دست گرفتن زمان روند جهانی شدن و جهانی سازی باشیم، قطعاً پیروز و موفق خواهیم بود.

مسئله جهانی شدن یا جهانی سازی، از دیرباز در فرهنگ‌ها و ادیان بزرگ جهانی مورد توجه بود و از آن، به عنوان آرمان تحقق جامعه واحد جهانی و فراگیر، سخن به میان آمده است. با مختصر مراجعه به قوانین مدون تاریخ قدیم، از جمله قوانین حمورابی (اعلامیه حقوق بشر نوشته شده توسط کوروش کبیر) و سنگ نوشته‌های به جای مانده از دوران قدیم و به علاوه، تعلیم عالی بازمانده از انبیای بزرگ و حکیمان فرزانه دوران‌های دور و نزدیک، همگی بر این امر تأکید دارند که جهان و جهانیان، یک واحد به هم پیوسته‌اند؛ همه امت‌ها، تحت لوای انسانیت متعالی هستند و باید با شناخت یکدیگر، برادرگونه، زیست مسالمت‌آمیز داشته باشند.

جای جای قرآن کریم نیز به این حقیقت مسلم اشاره دارد و به آنچه در آثار پیشینیان نیز به آن اشاره رفته است، یادآوری و تأیید می‌کند، از این رو باید توجه داشت که جهانی شدن، به عنوان یک ایده و فلسفه دینی و اخلاقی و یک آرمان دینی - سیاسی، تاریخچه‌ای طولانی دارد و در واقع، پیدایش آن به ظهور ادیان بزرگ و امپراطوری‌های جهان گرد و اندیشمندان آرمان‌گرا باز می‌گردد، ولی بدیهی است که سابقه جهانی شدن، به عنوان یک روند واقعی - که منشأ مترکام شدن جهان و همزمان شدن ارتباطات اجتماعی گردیده - به ظهور صنعت جهانی ارتباطات باز می‌گردد.

جهانی شدن، به معنای به هم پیوستگی ملت‌ها، چیزی است

بحث جهانی شدن - که زمینه جهانی سازی است - از جهان بینی اندیشمندان بزرگ جهان نشأت گرفته که در رأس همه آنها انبیا و حکما قرار دارند. امروزه بر اثر کم‌رنگ شدن مرزها و برداشته شدن محدودیت‌های جغرافیایی و ایجاد تسهیلات در رفت و آمدها و نیز آسان شدن تبادل اطلاعات و فزونی انواع رسانه‌های اطلاع‌رسانی، روند جهانی شدن، سرعت بیشتری گرفته است؛ از این رو، مسأله تقارب ملل و تعارف و شناخت متقابل، امری حتمی و اجتناب‌ناپذیر بوده و پیامدهای آن - چه زشت و چه زیبا - دامنگیر همگان خواهد شد.

آنچه در فرایند جهانی سازی اهمیت می‌یابد، آن است که جهان اسلام و امت اسلامی، در راه گزینش و انتخاب اصلح و تأثیرگذاری در این عرصه، چه اقدامی باید بکند؛ آیا ما باید حالت انفعالی به خود بگیریم تا دیگران سرنوشت ما را رقم زنند، یا خود به پا خیزیم و طبق مسؤلیت انسانی و اسلامی خود، زمام رهبری جهانی سازی را به دست بگیریم و متعهد به بسط عدل در گستره جهان گردیم، همچنان که خداوند در قرآن کریم فرموده: «و کذلک جعلناکم امةً وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس» (بقره/۱۴۳)

جهانی شدن، فرآیندی گریزناپذیر برای انسان و جهان امروز به شمار می‌رود که می‌تواند هم تهدید باشد و هم یک فرصت تلقی گردد. این پدیده، در عین حال، برای کشورها و ملت‌هایی که از نظر قدرت در موضعی پایین دست قرار دارند، پیامدهای منفی هم دارد؛ جهان اسلام که عمدتاً متشکل از کشورهای جهان سومی است، طبیعتاً در کنار بهره‌مندی از فواید جهانی شدن، در معرض پیامدهای منفی آن نیز قرار دارد و از این ناحیه تهدید می‌شود، اما این موضوع، دلیل نمی‌شود که جهان اسلام، به کلی اصل موضوع جهانی شدن را نفی کند، بلکه باید با جنبه‌های منفی آن مبارزه کند؛ زیرا این رویداد، همچون سیلی خروشان بی‌خواست و اراده ما در جریان است. عمده کار، کنترل این جهان است که از روز نخست، اسلام، بر عهده امت اسلامی گذاشته است. اهرم فعال عملکرد در این عرصه نیز همان فرهنگ غنی و سرشار از عناصر سازنده جوامع انسانی است. این اهرم، در دست مسلمانان قرار دارد و هیچ



آنچه در فرایند جهانی سازی اهمیت می یابد، آن است که جهان اسلام و امت اسلامی، در راه گزینش و انتخاب اصلح و تأثیرگذاری در این عرصه، چه اقدامی باید بکند: آیا ما باید حالت انفعالی به خود بگیریم تا دیگران سرنوشت ما را رقم زنند، یا خود به پا خیزیم و طبق مسؤولیت انسانی و اسلامی خود، زمام رهبری جهانی سازی را به دست گیریم.

صورت تجلی یافته است: «فیشر عباد الذین یستمعون القول فیقتبوعن احسنه اولئک الذین هدنهم الله و اولئک هم اولوالالباب» (زمر/ ۱۷ و ۱۸).

انتخاب احسن، شیوه بندگان شایسته خداست که با شیوه عقلایی هماهنگی دارد. مشی فرهیختگان - که بندگان شایسته خدا و در زمره عقلا هستند - بر این شیوه است. نخبگان، درباره اندیشه‌ها و تجربه‌هایی که پیرامون آنها می‌گذرد، در طول مسیر حیات، می‌اندیشند و بهترین و شایسته‌ترین آنها را برمی‌گزینند این گزینش برتر که نتیجه اندیشیدن و حسن انتخاب است، بهترین نوع تحقیق و دقت نظر را می‌رساند و از هر گونه تقلید و پیروی بی‌رویه به دور است. لذا مسأله تعارف و تفاهم بین‌المللی - که بر پایه شناخت متقابل استوار باشد - اساس پیشرفت و تعامل تمدن‌هاست و قرآن کریم بر آن تأکید دارد.

پدیده جهانی شدن، با تعریفی که از منظر اسلام و قرآن برای آن ارائه می‌شود، آثار مثبت و فوایدی هم به دنبال دارد که حداقل چهار فایده را می‌توان برای آن ذکر کرد:

اولین فایده جهانی سازی، ارزان شدن و به روز شدن آموزش فراگیر علمی است. دومین فایده، کوتاه شدن مسیر و کم شدن هزینه تولید است؛ چنان که امروزه اختراعات و تولیدات، از طریق سیاست‌های اینترنتی معرفی می‌شوند و عملاً راه‌های موانعی حذف شده، افراد در اختراعات و اطلاعاتشان وقت تلف نمی‌کنند و راه‌هایی را که دیگران رفته و به نتیجه رسیده‌اند، دوباره نمی‌روند. فایده سوم - که می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین فایده نام برد - انتقال اطلاعات دو طرفه است. در حالی که از اوایل دهه نود - که در واقع آغاز پیدایش روند معکوس جهانی شدن بود - جهت جهانی شدن، حالت یک طرفه داشت، اما حالا این اتصال، طرفینی است. در آن زمان، جریانی از طرف غرب به سوی شرق وجود داشت که امکانات ارتباطاتی برای آنها بسیار میسرتر از دیگران بود و رسانه‌های جمعی در کشورهای غیرصنعتی فقط مصرف‌کننده بودند؛ در حالی که اکنون این طور نیست. به عنوان مثال، امروزه ده‌ها هزار سایت و پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی مربوط به جهان اسلام تأسیس شده و مسلمانان به راحتی می‌توانند فکر و اندیشه خویش را به دیگران منتقل کنند و هرکس هر سخنی برای گفتن دارد، می‌تواند برای جهانیان شرح و بسط دهد. فایده چهارم اینکه افراد مهاجری را که از کشور و منطقه خود دور شده‌اند، به جامعه خود وصل می‌کند. قبلاً اگر کسی برای تحصیل یا کسب و کار به غرب سفر می‌کرد، در آنجا می‌ماند، عملاً از جامعه خودش جدا می‌شد و امکان از دست رفتن هویت وی زیاد بود، اما امروز نگرانی از دست دادن هویت ملی اشخاص در خارج از کشور، با توجه به توسعه ارتباطی که وجود دارد، کمتر است؛ لذا مفهوم زمان و مکان، به این ترتیب تغییر کرده و لازم نیست همه افراد در کنار هم باشند، تا هویت ملی خود را حفظ کنند.

که جامعه بشریت به مقتضای طبع اجتماعی بودن، خواهان آن است و از همان دوران که انسان‌ها احساس کردند هر فرد به دستاوردهای دیگران نیازمند است، این حرکت به سوی گرهمایی همگانی را آغاز کرده و در بستر زمان، در فرصت‌های پیش آمده، برای رسیدن به این آرمان، بیشتر همت گماشته‌اند؛ هرچند فقط موانع جغرافیایی و بیشتر سیاسی، از این روند جلوگیری کرده است، اما هرگاه فرصتی پیش آمده، از آن استفاده شده است. برخی جنگ‌های بزرگ، مانند: حمله مغول، جنگ‌های صلیبی و حتی جنگ‌های جهانی اول و دوم - با اینکه خانمان سوز بودند - تعارف و تألف (انس‌گیری) ملت‌ها را نیز در پی داشته است.

مسأله جبر تاریخ - که مطرح می‌شود - نیز ناظر به همین حقیقت است که خود این رفت و آمدها و تعارف و تألف بین ملت‌ها، یک امر ضروری و حیاتی است که لازمه لاینفک طبع زیست اجتماعی انسان‌هاست.

سوره حجرات، یک سوره مدنی بوده و در زمانی که جامعه مدنی در حال شکل گرفتن بوده، نازل شده است. در آیه سیزدهم این سوره آمده: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقنکم». این خطاب به تمامی مردم جهان است که همگی، از یک پدر و مادر آفریده شده و همگی برابر و برادرید. اسلام که مسأله برادری را مطرح کرد، می‌خواست این مسأله، مقدمه‌ای باشد برای برابری؛ یعنی اگر انسان‌ها احساس کنند که برادرند، برای معاملات و داد و ستدهای عادلانه، بیشتر می‌کوشند و هرگاه احساس کنند همگی برادر و برادرند و هیچ برتری نژادی برای هیچ کس و هیچ گروهی وجود ندارد، انگیزه زیست مسالمت‌آمیز در آنها تقویت می‌گردد. این آیه شریفه، به دو اصل طبیعی حیات اشاره می‌کند: نخست آن که لازمه انتشار کثرت نسل، جدا شدن گروه‌های به وجود آمده بر اثر ازدیاد نسل انسانی است و نسل انسانی در پهنای گیتی پراکنده شدند، تا هر گروه بدون مزاحمت، به زندگی خودش و سامانی بدهند.

اصل دوم اینکه، این تعدد و تفرقه، به این معنا نیست که از هم بریده باشید؛ زیرا بریدگی، برخلاف طبع ذاتی انسان است؛ چنان که واژه «انسان» از ماده «انس» به معنای وصل می‌باشد. بنابراین، اصل پیوند و همبستگی، به معنای رسمیت تنوع و تکثر می‌باشد. انسان‌ها گرچه به صورت گروه گروه درآمده‌اند، اما باید با یکدیگر معارفه و آشنا شوند و از حال و اوضاع همنوعان خود باخبر باشند و همین شناخت و معارفه، موجب گردد تا از فرهنگ‌های مختلف و متنوع و جریانات علمی و صنعتی و دیگر دستاوردهای یکدیگر، باخبر شوند و بهترین را گزینش کنند، که این گزینش بهتر، نه تنها لازمه معارفه و مفاهمه میان ملت‌هاست، بلکه لازمه طبع میل به کمال انسان‌ها نیز می‌باشد. این پدیده، از طریق حس رقابت، رشد یافته و بیشتر شکوفا می‌گردد. این اصل، در قرآن کریم، به این